

Research Article

The Role of Government in Providing the Context of Political Socialization from the Perspective of Nahj Al-Balaghah¹

Mohammad Kazem Karimi²

Mohammad Hossein Pouriaei³

Hassan Kheiri⁴

Received: 01/09/2021

Accepted: 24/11/2021

Abstract

The survival of any government depends on the general popularity of the people and the acceptance of its elements by different social groups, and without an acceptable level of political socialization, the survival of the government faces difficulties. Political socialization is a process that is completely related to the behavior of the government and its elements, and the government is considered one of the influential factors in the realization of this process. This paper, which is conducted through using

1. This paper is taken from a doctoral dissertation entitled: A Study of the Role of Government in Political Socialization in Nahj al-Balaghah. (Supervisor: Dr. Mohammad Hossein Pouriani, Consultant: Dr. Hassan Kheiri), Department of Social Sciences, Faculty of Management, Islamic Azad University, Naragh, Iran.
2. PhD Student in Political Sociology, Islamic Azad University, Naragh, Iran. mkkarimi_48@yahoo.com.
3. Assistant Professor at Islamic Azad University, Naragh, Iran. (Corresponding Author). mhpouryani@yahoo.com.
4. Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Qom, Iran. h.khairi@gmail.com.

* Karimi, M. K. & Pouriani, M. H., & Kheiri, H. (1401 AP). The Role of Government in Providing the Context of Political Socialization from the Perspective of Nahj Al-Balaghah. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(36), pp. 155-183. DOI: 10.22081/JISS.2021.53162.1845.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

the capacity of the basic theory, seeks to analyze the role of government in creating the context of political socialization by referring to the teachings of the noble book of Nahj al-Balaghah. Imam Ali's speeches and sirah (lifestyle) in Nahj al-Balaghah have valuable points that facilitate the formation of political socialization. The research findings suggest that in order to achieve the desired political socialization, the government and its elements must first provide a suitable context for it by correcting their behaviors. In this regard, contexts such as focusing on monotheism, value, and truth, rightism, epistemology empowerment, transparency, and interactionism are among the contexts that are important in the sirah and words of Imam to prepare the political socialization of members of society. Moreover, he has insisted on managing government affairs and motivating agents and managers.

Keywords

Government, political socialization, Nahj al-Balaghah, Imam Ali, the contexts of political socialization.

مقاله پژوهشی

نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری

سیاسی از منظر نهج البلاغه^۱

محمدکاظم کریمی^۲ محمدحسین پوریانی^۳ حسن خیری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

چکیده

مانایی هر حکومت وابسته به اقبال عمومی مردمان و پذیرش عناصر آن نزد گروه‌های مختلف اجتماعی است و بدون سطح قابل قبولی از جامعه‌پذیری سیاسی، ادامه حیات حکومت با دشواری روبه‌رو است. جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که با رفتار حکومت و عناصر آن رابطه تام دارد و از عوامل اثرگذار در تحقق این فرآیند قلمداد می‌شود. این نوشتار که با بهره‌گیری از ظرفیت نظریه‌مبنایی انجام شده، درصدد است با ارجاع به آموزه‌های کتاب شریف نهج البلاغه، نقش حکومت را در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی واکاوی کند. سخنان و سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه، واجد نکات ارجمندی است که بسترهای شکل‌گیری جامعه‌پذیری سیاسی را تسهیل می‌سازد. یافته‌های تحقیق مشعر به این واقعیت است که برای تحقق مطلوب جامعه‌پذیری سیاسی، در گام نخست باید حکومت و عناصر آن با

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای با عنوان: «بررسی نقش حکومت در جامعه‌پذیری سیاسی در نهج البلاغه». (استاد راهنما: محمدحسین پوریانی، استاد مشاور: حسن خیری)، گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، نراق، ایران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، نراق، ایران. mk.karimi@isca.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران (نویسنده مسئول). mhpouryani@yahoo.com

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. h.khairi@gmail.com

* کریمی، محمدکاظم؛ پوریانی، محمدحسین و خیری، حسن. (۱۴۰۱). نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج البلاغه. فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۶)، صص ۱۵۵-۱۸۳.
 DOI: 10.22081/JISS.2021.53162.1845

تصحیح رفتارهای خویش، زمینه و بستر مناسب را برای آن فراهم آورند. از این منظر، بسترهایی چون توحیدمحوری، ارزش‌محوری، حق‌گرایی، معرفت‌افزایی، شفافیت‌سازی و تعامل‌گرایی از زمینه‌هایی است که در سیره و گفتار امام علیه السلام برای تمهید جامعه‌پذیری سیاسی اعضای جامعه دارای اهمیت است و آن حضرت در اداره امور حکومت و تحریض کارگزاران و مدیران بدان‌ها پافشاری نشان داده است.

کلیدواژه‌ها

حکومت، جامعه‌پذیری سیاسی، نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی.

مقدمه

اهمیت پیشرانی بر محور و مدار منابع و آموزه‌های دینی برای مدیران و کارگزاران نظام اسلامی اقتضا می‌کند پایه‌های سیاست‌ورزی خود را بر آموزه‌ها و منابع دینی معتبر بنیان نهند. به‌واقع، حکومت اسلامی و قدرت برآمده از آن بیش و پیش از آنکه متأثر از مفاهیم و گزاره‌های فقهی یا کلامی یا حتی سیاسی اندیشمندان اسلامی باشد، از رفتارهای گزارش‌شده دوران زمامداری امیرمؤمنان علی علیه السلام اثر پذیرفته است. اینکه آن حضرت با موضوع عدالت چگونه رفتار می‌کرد؟ رفتارش با خانواده، کارگزاران حکومتی، زبردستان، دشمنان و یا در امور مالی چگونه بود؟ در دفاع از حق انتقاد مردم چگونه رفتار می‌کرد؟ دربارهٔ معجزگویی قدرت از سوی زبردستان چه میزان حساس بود؟ به‌طور کلی نگاه او به امور جامعه و مناسبات قدرت چگونه بود؟ و اموری از این قبیل برای اعضای جامعهٔ دینی واجد اهمیت بسیاری است.

کتاب شریف نهج‌البلاغه که به «آخ القرآن» شهرت یافته است، پس از قرآن کریم و سخنان پیامبر، غنی‌ترین و باارزش‌ترین منابع اسلامی به‌شمار می‌آید. این کتاب که مستظهر به توثیق اغلب عالمان حدیث است، مشتمل بر بسیاری از سخنان، نامه‌ها و کلمات حکیمانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که در طول دوران حیات پربار خویش، به‌منظور هدایت عقول انسانی به راه روشن الهی بیان داشته است. نمی‌توان انتظار داشت همهٔ حکومت‌کنندگان بتوانند مثل آن امام عمل کنند، ولی کسری از انتظار نیز دور از واقعیت نیست؛ به‌ویژه انتظار اساسی آن است دست‌کم به مخالفت با آن گام برداشته نشود! وجود چنین حساسیت‌ها و اقدام‌های عملی در دستگاه حکومت و امامت امام علیه السلام، نیازمند استخراج الگوهای کارآمد فردی و اجتماعی برای سامان‌دهی، رشد و هدایت جامعهٔ انسانی به ارزش‌های متعالی و انسان‌ساز است. این نوشتار در تلاش است تا کرانه‌های پیدا و ناپیدای این جلوهٔ ماندگار سیاست‌پیشگی و سیاست‌آموزی در تاریخ بشر را بازخوانی نماید و در حد بضاعت اندک، خوشه‌چین گوهرهای ناب و گزارشگر واقعیت‌های پنهان آن باشد. بر این اساس، پرسش اصلی پیش روی پژوهش آن است که نقش حکومت در جامعه‌پذیری سیاسی از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام چگونه است؟ و به‌طور

خاص، نقش حکومت به عنوان یک نهاد در ایجاد بسترهای لازم برای تولید جامعه‌پذیری سیاسی چگونه است؟

آسیب‌شناسی وضعیت موجود جامعه‌پذیری سیاسی جامعه امروز ایران اسلامی و تلاش برای معرفی تراز کنشگری سیاسی و اجتماعی در نقشه فرهنگی کشور بر اساس آموزه‌های کتاب شریف نهج البلاغه، امری مستحسن است و با توجه به اینکه به روش گردند تئوری یا نظریه مبنایی (grounded theory) انجام می‌گیرد، در حد خود واجد اهمیت است.

۱. ادبیات مفهومی

۱-۱. حکومت

حکومت (Government) از ماده «حکم» در لغت به معنی رهبری کردن، فرمان‌روایی، اعمال قدرت سیاسی و نیز به معنی قضاوت و داوری است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶۹) و در اصطلاح، فرایند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری درون یک دستگاه سیاسی است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۳۳۹). در واقع، حکومت مجموعه‌ای از افراد است که گردانندگان اصلی امور یک کشور و سیاست‌گزاران آن هستند (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶۹) و شامل تشکیلات اداره‌کننده سه قوه مجریه، قضاییه و مقننه در یک کشور است (کللی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲). بدین سان، عنصر مهم تشکیل‌دهنده یک دولت، «حکومت» است که سازمان اداری دولت تلقی می‌گردد و شکل و ساختارش توسط قانون اساسی تعیین می‌شود. حکومت‌ها متغیر و دارای عمر محدودند، اما دولت‌ها دارای سابقه و عمر طولانی‌اند؛ برای نمونه، حکومت خلفاطی دوره‌های گوناگون تاریخ اسلام یکی پس از دیگری سپری شد، اما دولت اسلامی همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارکان و عناصرش تداوم یافته است.

مفاهیم حکومت، امامت، امارت و رهبری جامعه اسلامی از مفاهیم پربسامد در کلام امام علی علیه السلام است. وجود حکومت در جامعه انسانی از نگاه آن حضرت، امری ضروری و تأمین‌کننده امنیت جامعه است و از بروز اختلاف و هرج و مرج جلوگیری می‌کند؛ به

این سبب، در رد دیدگاه آنارشستی خوارج که بر حق اعمال حاکمیت توسط خداوند پافشاری می کردند، فرمود: «مردم ناچارند دارای حاکمی باشند؛ خواه نیکوکار و خواه بدکردار که مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از متاع دنیا بهره مند گردد و خداوند زمان هر یک را به سر آورد، توسط آن غنایم جمع گردد، با دشمن پیکار شود، راه‌ها ایمنی یابد، حتی ضعیف از قوی ستانده شود، تا از این طریق نیکوکار در آسایش و از شر بدکاران در امان باشد» (نهج البلاغه، خ ۴۰).

۲-۱. جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی^۱، بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد (آلموند و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۵۷). به بیان دیگر، جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که در خلال آن جامعه‌گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و هدف از آن، تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۷). لنگتون با ارائه تعریفی محدود از جامعه‌پذیری سیاسی، آن را فرایندی می‌داند که از طریق عاملان مختلف جامعه صورت می‌گیرد و به کمک آن، فرد تمایلات ایستاری و الگوهای رفتاری مرتبط با سیاست را فرا می‌گیرد. این عاملان شامل مقوله‌های محیطی مانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه، سازمان‌های بزرگ‌سالان و رسانه‌های همگانی می‌شود. در برابر، کولمن با ارائه تفسیری موسع، معتقد است جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که افراد از طریق آن ایستارها و احساساتی در قبال نظام سیاسی و نقش‌هایی که در آن دارند کسب می‌کنند. این فراگرفته‌ها شامل شناخت‌ها (دانسته‌ها یا باورهای فرد درباره نظام، موجودیت و روش کار آن)، احساسات (نحوه احساس فرد در قبال نظام، از جمله حس وفاداری و احساس تکلیف مدنی) و احساس شایستگی سیاسی (نقش بالفعل یا بالقوه فرد در نظام) است (چیلکوت، ۱۳۹۳، صص ۳۵۷-۳۵۸).

اولین جرقه‌های جامعه‌پذیری سیاسی برای امام علی علیه السلام در خانه وحی اتفاق افتاده

1. political socialization

است که از طریق آن با عطر نبوت آشنا شد و دل او ظرف معارف الهی و دانش نبوی گردید و از این طریق، اسباب امامت و هدایت خلق برای ایشان فراهم آمد؛ چنان که فرمود: «از آن زمان که پیامبر ﷺ را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته‌اش را ملازم وی ساخت تا شبانه‌روز او را در طریق کرامت و اخلاق نیک قرار دهد. من نیز همانند کودکی که در پی مادرش گام برمی‌دارد، به دنبال او می‌رفتم. پیامبر ﷺ هر روز روزنه‌ای از اخلاق کریمانه خود را برایم می‌گشود و مرا به پیروی از خودش فرمان می‌داد. هر سال به غار حرا می‌رفت و مجاور آن می‌شد. من می‌دیدم و جز من کسی نمی‌دیدش. در آن زمان اسلام در هیچ خانه‌ای نیامد جز خانه‌ای که پیامبر خدا ﷺ و خدیجه در آن بود و من سومین آن‌ها بودم، نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی پیامبری به مشام می‌رسید» (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۲).

۲. روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی و روش آن کیفی است و با بهره‌گیری از استعداد‌گرندد تئوری یا نظریه‌مبنایی^۱ انجام می‌پذیرد. نظریه‌مبنایی در واقع، فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی داده‌های گردآوری شده به منظور یافتن پاسخ پرسش‌ها در زمینه‌هایی است که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین فرضیه و آزمون آن هستند. واژه‌گراندد^۲ نشانگر آن است که هر تئوری که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیاد نهاده شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲). نظریه‌مبنایی بر محور سه عنصر مفاهیم^۳، مقولات^۴ و گزاره‌ها^۵ صورت می‌یابد. مفاهیم، انتزاعی از پدیده‌های بیرونی و خارج از

1. Grounded Theory
2. Grounded
3. Concepts
4. Categories
5. Propositions

ذهن هستند. در این روش، داده‌ها از طریق مفهوم‌سازی، تفسیر و برداشت‌های ذهنی محقق تبدیل به نظریه می‌شوند. مقولات، صورت‌بندی و طبقه‌بندی ویژه‌ای از مفاهیم استخراج شده است. از این‌رو حصول به نظریه به مدد مفاهیم، در گرو مقوله‌بندی، طبقه‌بندی و تنظیم معقول و موزون مفاهیم است. گزاره‌ها یا قضایا به واقع توضیحاتی درباره روابط بین مفاهیم هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵).

جامعه آماری در این تحقیق، مشتمل بر سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه ناظر به موضوع حکومت، سیاست و قدرت در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست. با توجه به این که تعداد داده‌ها در مطالعات کیفی از ابتدا قابل پیش‌بینی نیست، گردآوری داده‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که به اشباع نظری برسد. برای گردآوری اطلاعات با مراجعه به متن کتاب شریف نهج البلاغه، مفاهیم ناظر به پرسش‌های تحقیق یادداشت‌برداری شد و هریک در بخش مربوط به خود (خطبه، نامه، حکمت) ذخیره گردید. گردآوری این داده‌ها ابتدا در قالب «کدگذاری باز» صورت پذیرفت و سپس از طریق «کدگذاری محوری» بازنگری و تجدیدنظر شد. در ادامه، نتایج این دو مرحله با پرسش‌های تحقیق مقابله و به کمک «کدگذاری انتخابی»، مواردی که ارتباط وثیقی با پرسش‌های تحقیق داشته‌اند، انتخاب و در قالب گزاره‌های مفهومی، تنظیم و ارائه گردید.

به منظور سنجش اعتبار داده‌ها پس از انجام مراحل کدگذاری، داده‌ها با دیدگاه شارحان و مفسران نهج البلاغه تطبیق داده شد و پس از حصول اطمینان از محتوای آن، مبنای عمل قرار گرفت. همچنین برای پایایی یافته‌های تحقیق، نتایج به دست آمده از کدگذاری در اختیار دو تن از کارشناسان پژوهشی صاحب‌نظر در زمینه تئوری مبنایی قرار داده شد و ملاحظات آنان با وسواس اعمال گردید. گفتنی است برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی، محققان اغلب به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی، از معیار «اعتماد‌پذیری یا قابلیت اعتماد» استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد در تلقی گوبا و لینکلن، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد. معیار قابلیت اعتماد از نظر آنان دربرگیرنده

چهار معیار باور‌پذیری، اطمینان‌پذیری، تأیید‌پذیری و انتقال‌پذیری است (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

۳. یافته‌های پژوهش

برای رسیدن به درک درست مفاد سخنان امیرمؤمنان علی علیه السلام و یافتن پاسخ پرسش‌های تحقیق، جستجو در نهج‌البلاغه انجام گرفت و در قالب سه گام اساسی پیگیری شد:

۳-۱. گام اول: کدگذاری باز

کدگذاری باز، بخشی از فرآیند کار در نظریه‌مبنایی است که به طبقه‌بندی داده‌ها از طریق یادداشت‌های کوتاه منجر می‌شود و نتیجه نهایی آن نام‌گذاری و طبقه‌بندی مفاهیم است. در این بخش با مراجعه مستقیم به متن نهج‌البلاغه، مهم‌ترین عبارات‌های مرتبط با موضوع حکومت و جامعه‌پذیری سیاسی به ترتیب خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار استخراج و در قالب کدهای اولیه صورت‌بندی گردید. به منظور گزیده‌نویسی، در تمام این متن به جای خطبه، حرف «خ»، به جای نامه، حرف «ن» و به جای کلمات قصار، حرف «ق» به کار رفته است.

جدول شماره ۱. نمونه کدگذاری باز

ردیف	متن اصلی	ترجمه	ارجاع	کدگذاری
۱	..وَإِنِّي لَعَلَىٰ يَقِينٍ مِنْ رَبِّي وَغَيْرِ شُبُهَةٍ مِنْ دِينِي.	من بر یقین استوار به خدای خویشم و در دین خود شبهه‌ای ندارم.	خ ۲۲	اعتماد به خداوند
۲	..وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ	و با چاپلوسی و تملق با من در نیامیزید	خ ۲۱۶	نهی از تملق‌گویی
۳	..وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَتْ الْأَقَالِيمُ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا، عَلَيَّ أَنْ أُعْصِي اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ [خَلْمَةٍ] شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ	به خدا سوگند اگر هفت اقلیم عالم را با آنچه زیر آسمان‌های آن است به من دهند، تا خداوند را به اندازهٔ ربودن پوست جوی از دهان مورچه‌ای معصیت کنم، چنین نخواهم کرد.	خ ۲۲۴	دوری از معصیت خداوند

ردیف	متن اصلی	ترجمه	ارجاع	کدگذاری
۴	وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ سِنَانَهُمْ عَلَىٰ قَتَالِهِمْ، قَبْلَ دُعَائِهِمْ وَ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ.	(سفارش به معقل پسر قیس ریاحی هنگام اعزام او به‌عنوان مقدمه سپاه به شام) کینه آنان سبب نشود تا پیش از آنکه آنان را به اطاعت فراخوانی و حجت را بر ایشان تمام کنی، جنگ را آغاز نمایی.	ن ۱۲	منع از آغاز جنگ به دلیل کینه
۵	لَا تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ يَبْدُؤُوكُمْ، فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَىٰ حُجَّةٍ وَ تَزَكُّكُمْ إِلَّا هُمْ حَتَّىٰ يَبْدُؤُوكُمْ حُجَّةً أُخْرَىٰ لَكُمْ عَلَيْهِمْ.	(سفارش به سپاه پیش از روبرویی با دشمن) با آنان نجنگید مگر آنکه آنان آغاز کنند، زیرا بحمدالله حجت با شماست و این نیز حجت دیگری از شما بر آنها خواهد بود که آنان آغازگر جنگ باشند.	ن ۱۴	آغازگر جنگ نبودن
۶	..فَإِذَا كَانَتِ الْهَزِيمَةُ بِأَدْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا	هرگاه دشمن به اذن خدا گریخت فراری را نکشید،	ن ۱۴	منع از کشتن فراریان
۷	..وَلَا تُصِيبُوا مَعْرُورًا	و ناتوان را آسیب نرسانید،	ن ۱۴	نهی از آزار ناتوانان
۸	..وَلَا تُجْهِزُوا عَلَىٰ جَرِيحٍ،	و زخمی را از پای درنیاورید،	ن ۱۴	نهی از آزار مجروحان
۹	..وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَدَىٰ وَ إِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَبْنَ أَمْرَاءَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَىٰ وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُولِ؛	و زنان را با آزار دادن تهنیج نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند یا امیرانتان را دشنام گویند، چون توان و جان و عقل‌شان ضعیف است.	ن ۱۴	نهی از آزار زنان
۱۰	وَلَا تُنْفِرَنَّ بِهِمَّةً وَ لَا تُفْرِعَنَّهَا، وَ لَا تَسْوَأَنَّ صَاحِبَهَا فِيهَا.	چارپایی را رم مده و مترسان و صاحبش را در گرفتن آن به سختی مینداز.	ن ۲۵	منع از ترساندن حیوانات

ردیف	متن اصلی	ترجمه	ارجاع	کدگذاری
۱۶	.. وَ لِيَكُنْ أَبْعَدُ زَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَأُهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلَبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، فَأَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرَهَا.	باید دورترین رعیت از حریم تو و مبعوض ترینشان نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است؛ زیرا مردم را عیب‌هایی است که حاکم در پوشاندن آن‌ها از همه سزاوارتر است.	ن ۵۳	پرهیز از عیب‌جویی مردمان
۱۷	.. وَ لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَسْوَرَتِكَ بَخِيلًا، يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَ لَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ عَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ.	هرگز با بخیل مشورت مکن که تو را از بخشش بازدارد و وعده فقر به تو دهد. و نیز با ترسو که تو را به سستی کشاند و نیز با طمعکار که آزمندی در ستم را در نظرت زیبا سازد. بخل، ترس و حرص غرایز متفاوتی هستند که بدگمانی به خدا آن‌ها را در آدمی فراهم می‌آورد.	ن ۵۳	بهره‌نگرفتن از مشورت بخیل، ترسو و آزمند در اداره امور کشور
۱۸	.. وَالصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدْقِ، ثُمَّ رُضْهُمْ عَلَيَّ أَنْ لَا يُطْرُقَكَ وَ لَا يَبْجَحُوكَ بِطَاطِلٍ لَمْ تَقْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الرَّهْوَ وَ تُدْنِي مِنَ الْعُرَّةِ.	به پارسایان و راستگویان ببیوند و آنان را چنان بیرونان که تو را فراوان نستانند و به کاری که نکرده‌ای بیهوده شادمانت نسازند؛ زیرا ستایش فراوان، کبر و نخوت پدید آورد و آدمی را به سرکشی کشاند.	ن ۵۳	دوری از چاپلوسان و متملقان
۱۹	.. وَ إِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحَطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَ إِزَعِ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ.	اگر با دشمنت پیمان بستنی یا او را در امان خویش درآوردی، به پیمان خود وفادار بمان و اگر در ذمه خویش او را امان دادی، آن را رعایت نما. خود را سپر تعهدات خویش قرار ده؛ زیرا مردم با همه هواهای گوناگون و اختلاف نظری که دارند، بر هیچ يك از واجبات الهی، به اندازه بزرگ‌شمردن وفای به پیمان اتفاق نظر ندارند.	ن ۵۳	وفاداری به پیمان با دشمن

ردیف	متن اصلی	ترجمه	ارجاع	کدگذاری
۲۰	..وَلْيَكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ بِهِ لِلَّهِ دِينَكَ: إِقَامَةُ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ، فَأَعْطَا اللَّهَ مِنْ بَدَنِكَ فِي أَيِّلِكَ وَ نَهَارِكَ وَ وَفَّ مَا تَقَرَّبْتَ بِهِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَ لَا مَثْقُوصٍ، بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا بَلَغَ.	باید در خصوص آنچه به وسیله آن دین خویش را برای خداوند خالص می‌سازی، برپا داشتن واجبات الهی باشد که ویژه خداوند است. بنابراین در بخشی از شبانه‌روز تن خود را در کار طاعت خداوند بدار و عباداتی را که موجب نزدیکی تو به خداوند گردد به نحو کامل و بدون کاستی به جای آور، هرچند سبب فرسودن جسم تو شود.	ن ۵۳	بهره‌گیری از عبادت خداوند برای تقویت پایه‌های دین
۲۱	..وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَ إِلَى دِمَتِكُمْ مِنْ مَعْرَةِ الْجَبِشِ، إِلَّا مِنْ جَوْعَةٍ الْمُضْطَّرُّ، لَا يَجِدُ عَنْهَا مَذْهَبًا إِلَّا شِبَعِيه.	من به سبب پیمانی که با شما دارم، از آسیبی که سپاهیان به مردم برسانند بیزارم، مگر آنکه سربازی گرسنه مانده و برای سیرکردن خود چاره‌ای جز آن نداشته باشد.	ن ۶۰	برائت از رفتار غیر انسانی مأموران حکومت
۲۲	أَمَا بَعْدُ، فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ وَ ذَكْرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ	(به قثم بن عباس، کارگزار امام در مکه) مراسم حج را برای مردم برپا دار و ایام الله را به یادشان آور.	ن ۶۷	اهتمام به انجام مناسک دینی
۲۳	وَ عَظِيمِ اسْمِ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرَهُ إِلَّا عَلَى حَقٍّ وَ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.	نام خدا را بزرگ دار و آن را جز به حق یاد مکن. مرگ را و جهان پس از مرگ را بسیار به یاد آر.	ن ۶۹	ابتنای حکومت بر باورمندی وثیق

۳-۲. گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری فرایندی است که طی آن مفاهیم به دست آمده از طریق کدگذاری باز، به هم ربط داده می‌شوند. در واقع، در این مرحله در پی برهم زدن و به هم پیوستن طبقه‌بندی‌ها هستیم تا یک تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده ارائه شود.



نمودار ۱. شیوه طبقه‌بندی و استخراج مقولات از مفاهیم

کدگذاری محوری در واقع رابطه بین مفاهیم و نظریه است و مبتنی بر مدل پارادایمی شکل می‌گیرد. طبق مدل پارادایمی استروس و کوربین، یافته‌ها حول محورهای علل، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل و پیامدها شکل

می‌گیرند. شایان ذکر است پارادایم در اینجا بیانگر سلسله روابطی است که بین زیرمقوله‌ها و مقوله اصلی وجود دارد و از این نظر، با اصطلاح رایج در مباحث معرفتی به معنای چارچوب فکری و فرهنگی غالب بر نظام‌های معرفتی متفاوت است.

۳-۲-۱. مقوله محوری (پدیده)

پدیده یا مقوله محوری در اصل همان ایده، حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله کنش‌ها و کنش‌های متقابل برای کنترل و اداره آن معطوف می‌شود. به‌واقع، ما پدیده را با پرسش‌هایی مانند این داده‌ها به چه چیز دلالت می‌کنند و این کنش و کنش متقابل درباره چیست، شناسایی می‌کنیم (استروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). در این تحقیق، پدیده اصلی بسترهای تحقق جامعه‌پذیری سیاسی از طریق اعمال نقش و کارکردهای حکومت است که با لحاظ مجموعه‌ای از عوامل و شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای نمودار می‌گردد.

۳-۲-۲. شرایط علی

حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که در وقوع یا گسترش پدیده، نقش ایفا می‌کنند، علل یا شرایط علی گفته می‌شود. منظور از شرایط علی در اینجا آن دسته از شرایط است که به‌طور مستقیم بر پدیده اثر می‌گذارند؛ مانند تأثیر شکستگی پا بر احساس درد (استروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). در این تحقیق عناصری چون توحید محوری، حق‌گرایی، ارزش محوری، معرفت‌افزایی، شفافیت‌سازی و تعامل‌گرایی را می‌توان شرایطی قلمداد کرد که بر ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی تأثیر علی دارند:

۳-۲-۳. توحید محوری

توحید پایه دین است و اعتقاد به یگانگی خداوند و مؤثریت مطلق او در جریان امور عالم، در شکل و محتوای رفتار و عمل انسان‌ها تأثیر ویژه دارد. امام علی علیه السلام مظهر اعلای توحید و اعتقاد راسخ به خداوند است و این حقیقت در بیان و بنان او تبلور یافته است؛ چنان‌که فرمود: «مَا شَكَّكَتْ فِي الْحَقِّ مُدَّ أُرَيْئَةُ؛ از زمانی که خداوند را شناختم، در وجود

آن تردید نکردم» (نهج البلاغه، خ ۴). سراسر نهج البلاغه بازتاب عمق توحیدباوری امیرمؤمنان علیه السلام است؛ آغاز هر خطبه تبلور توحید و نشان بر آمدن از عمق جان است و در حکم رسانه‌ای است که بالاترین معارف را درباره حقیقت توحید در اختیار مخاطب خویش قرار می‌دهد. ابتدای حکومت بر توحیدمحوری، حکم اکسیری را دارد که جامعه اسلامی را متوجه حقیقت واحد می‌سازد و اختلاف، دودستگی، منفعت‌خواهی، خودخواهی و منیت را سد می‌کند و هدف اصلی آن، رسیدن به حقیقت نابی است که در سرشت همگان نهفته است. توجه به حقیقت واحد، باعث می‌شود واگرایی‌ها در کنش سیاسی شهروندان و کارگزاران کم‌سو شده و همگرایی‌ها افزایش یابد و بر همین منوال، میزان و نوع جامعه‌پذیری سیاسی‌شان را متأثر می‌سازد.

۳-۲-۲. ارزش محوری

یکی از پراهمیت‌ترین جلوه‌های سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، تأکید و تحریض بر ارزش‌های مطلوب انسانی و طرد ارزش‌های نامطلوب است. اهتمام حاکمیت به حفظ و تقویت ارزش‌های مطلوب انسانی و جریان پیدا کردن آن به حوزه کنش و عمل حاکمان و مدیران جامعه، سبب تأسی و الگوپذیری اعضای جامعه و بیشینگی همدلی و همراهی جامعه و حاکمیت و تحقق جامعه‌پذیری سیاسی است. در برابر، رقابت حاکمان و مدیران جامعه در گرایش به ارزش‌های نامطلوب، سبب فاصله مردم و حاکمیت و به محاق رفتن جامعه‌پذیری سیاسی می‌شود.

امام علی علیه السلام در زیست فردی، سیاسی و اجتماعی خویش، در تعلق به اخلاق نیکو و اهتمام به صیانت از ارزش‌های ناب انسانی و اسلامی بی‌همتا بود؛ بدین سبب، حرکت سپاه را برای جنگ در زمانی که نماینده‌اش را برای دعوت به مصالحه نزد شامیان فرستاده بود، نافی غرض دانسته و از آن جلوگیری کردند (نهج البلاغه، خ ۴۳)، بر مدارا با خطاکاران اصرار داشت و درباره مصقله بن هبیره که متهم به خیانت در اموال و پناهندگی به معاویه بود، فرمود: «اگر می‌ماند به مقدار توانش از او می‌گرفتیم و برای باقیمانده به او مهلت می‌دادیم» (نهج البلاغه، خ ۴۴)؛ بر یاد خداوند، پیروی از سنت پیامبر و آموزش، تلاوت و کسب هدایت

از نور قرآن کریم ترغیب مداوم داشت (نهج البلاغه، خ ۱۱۰)، صداقت و راست‌گویی را بر زمامدار فرض می‌دانست (نهج البلاغه، خ ۱۵۴)، مردمان را در خوبی‌هایشان قدردان بود (نهج البلاغه، خ ۱۵۹) و از خطای آنان چشم‌پوشی می‌کرد (نهج البلاغه، خ ۱۵۹) و هزاران نکته ظریف دیگر که حکایت از اهمیت اصول و ارزش‌های اخلاقی نزد آن حضرت است.

۳-۲-۲-۳. حق‌گرایی

شاخص‌ترین وجه تمایز حکومت علوی از دیگر حکومت‌ها، ابتدای آن بر محور و مبنای حق است. معیار قرار گرفتن حق در حوزه باور، گرایش و کنش سیاسی حاکمان در انجام وظایف حکومتی خویش، دشوارترین و در عین حال، پایاترین معیاری است که در جلب اعتماد عمومی نقش آفرین است. «حق» در کلام امام علی علیه السلام به معنی راستی، درستی، عدالت و قسط و در برابر باطل است. چنان‌که حاکمیت در انجام وظایف خود در قبال جامعه و مردم، معیار حق را سرلوحه کنش‌هایش قرار دهد، زمینه بسط و تعمیق جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه فراهم می‌آید. از این روست که وقتی در جنگ جمل شخصی خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! من در شک افتادم؛ در یک طرف طلحه، زبیر، عایشه و بزرگان اصحاب قرار دارند و در طرف دیگر شما و اصحابتان هستید؛ حق کجاست؟ من مردد شده‌ام. فرمودند: «أَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفُ أَهْلَهُ؛ حق را دریاب تا اهل آن را بشناسی» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۰).

۳-۲-۲-۴. معرفت‌افزایی

هیچ اتفاقی در سپهر سیاسی یک کشور به وقوع نمی‌پیوندد، مگر اینکه ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم به عملکرد و رفتار حکومت و حاکمان پیدا می‌کند. همه شئون فردی و اجتماعی و نیز کنش‌ها و واکنش‌های افراد و گروه‌ها در جوامع امروز، تحت تأثیر رفتار حکومت‌ها، سویه‌های ویژه می‌گیرند. بالا بردن دانش عمومی جوامع درباره وقایعی که آنان را احاطه کرده است و نیز رشد معنوی و عقلانی اعضای جامعه از طریق در اختیار گذاردن داده‌ها و اطلاعات معتبر و اقناع مؤثر بخش‌های مختلف جامعه، از

اموری است که به حفظ و ارتقای رابطه دولت - ملت مدد می‌رساند و فرصت‌های جامعه‌پذیری سیاسی اعضای جامعه را بیشینه می‌سازد.

بر این پایه، آگاهی‌دادن مردم به فجایع دوره خلفا به‌ویژه خلیفه سوم (نهج‌البلاغه، خ ۳۰)، آگاهی‌بخشی از شگردهای عوام‌فریبانه نمایندگان دشمن در موضوع حکمیت (نهج‌البلاغه، خ ۲۳۸)، القای معرفت دینی معتبر در موضوع مرگ و زندگی (نهج‌البلاغه، خ ۶۲)، پرهیز از اوهام و خرافات در تصمیم‌های حاکمیتی (نهج‌البلاغه، خ ۷۹)، نهی از اجتهاد به رأی در موضوعات نیازمند تعمق (نهج‌البلاغه، خ ۸۷)، اصرار بر عمل طبق فهم و دانش و پرهیز از دخالت سلیقه شخصی در اداره حکومت (نهج‌البلاغه، خ ۹۲) از محورهایی است که اهمیت آگاهی‌بخشی سیاسی و معرفت‌افزایی جامعه را نزد امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه برجسته می‌سازد.

۳-۲-۵. تعامل‌گرایی

تعامل و ارتباط در سطوح گوناگون، از ضرورت‌های زیست جوامع انسانی و اسباب رشد و ارتقای توانمندی‌های آنان است و در آموزه‌های اسلامی بر اهمیت و ضرورت آن تأکید فراوان شده است. ابتدای سیاست‌گذاری حکومت بر گفتگو و تعامل با ملت و بیگانگان برای اعضای جامعه این اطمینان را به ارمغان می‌آورد که فرایند حل مسائل از سوی حکومت به شکل منطقی و مسالمت‌آمیز دنبال می‌شود. وجود چنین آرامش و اطمینان خاطری بین شهروندان سبب گرایش آنان به برنامه‌ها و فرایندهای حاکمیتی است و بر تعمیق جامعه‌پذیری سیاسی آنان اثرگذار است. آن حضرت پیش از آغاز جنگ جمل و هم‌زمان با بدعهدی طلحه و زبیر، ابن عباس را برای گفتگو با زبیر فرستاد تا او را به اطاعت از امام بازگرداند؛ اگرچه به دلیل آگاهی از منش طلحه، گفتگو با او را خالی از فایده دانسته و بدان توجه نشان نداده است: «لَا تَلْقَيْنَ طَلْحَةَ، فَإِنَّكَ إِنْ تَلَقْتَهُ تَجِدُهُ كَالثَّوْرِ عَاقِصًا قَرْنَهُ، يَزُكِبُ الصَّعْبَ وَ يَقُولُ: هُوَ الدَّلُولُ وَ لَكِنَّ الْقِيَاسَ الرَّبِيبَ، فَإِنَّهُ أَلَيْنُ عَرِيكَهٖ، فَقُلْ لَهُ: يَقُولُ لَكَ ابْنُ خَالِكَ: عَرَفْتَنِي بِالْحِجَازِ وَ أَنْكَرْتَنِي بِالْعِرَاقِ، فَمَا عَدَا مِمَّا بَدَأَ؟» با طلحه دیدار مکن؛ زیرا اگر با او ملاقات کنی، وی را همچون گاوی وحشی می‌بینی که شاخ‌هایش تابیده است. او بر مرکب سرکش سوار می‌شود و آن را رام و رهوار می‌پندارد. اما با زبیر ملاقات کن؛ زیرا او

نرم‌خوتر است. به او بگو: پسر داییت می‌گوید: در حجاز مرا شناختی [و با من بیعت کردی] و در عراق مرا نمی‌شناسی! چه شد که از پیمان خود بازگشتی؟!» (نهج‌البلاغه، خ ۳۱).

۳-۲-۳. زمینه‌ها

شرایط زمینه‌ای، ریشه در شرایط علیّی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون هستند. وقتی می‌گوییم در شرایط درد شدید و طولانی، چنین و چنان می‌کنیم تا آن را مهار کنیم، زمینه را توضیح می‌دهیم. به سخن دیگر، اتخاذ تدبیر دربارهٔ درد است (استروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). آنچه می‌تواند زمینه‌ساز واقع شدن یا نشدن جامعه‌پذیری سیاسی از ناحیهٔ حکومت بشود، میزان مراقبت و اهتمام حاکمیت در ایفای وظایف و کارکردهای خود در قبال مردم و دوری‌گزینی از رفتارها و کنش‌هایی است که سبب تنفر عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی اعضای جامعه می‌گردد. اموری چون حضور به موقع و مؤثر حاکمان میان مردم (نهج‌البلاغه، ن ۵۳)، ارتباط رودررو و بدون واسطه با مردم (نهج‌البلاغه، ن ۶۷)، هم‌سطحی زندگی و معیشت مدیران و مردم (نهج‌البلاغه، ن ۳)، پنهان‌نکردن واقعیت‌ها از مردم (نهج‌البلاغه، ن ۵۰)، عدالت‌ورزی (نهج‌البلاغه، خ ۱۵) و ... در زمرهٔ زمینه‌های ایجابی جامعه‌پذیری سیاسی و فاصلهٔ اجتماعی مردم و مسئولان (نهج‌البلاغه، ن ۵۳)، ستم‌پیشگی در رفتار با مردم (نهج‌البلاغه، ن ۵۳) و ویژه‌خواری (نهج‌البلاغه، ن ۶۹) از زمینه‌های سلبی جامعه‌پذیری سیاسی است.

۳-۲-۴. کنش و کنش متقابل

کنش و کنش متقابل، روش‌ها و راهبردهایی است که کنشگران در رویارویی با پدیده و با توجه به شرایط علیّی و زمینه اتخاذ می‌کنند و اغلب هدفمند، قصدی و دارای دلیل است و برای حل یک مسئله صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، راهبردهای ایجادشده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهدهٔ خاص است. در مثال درد، راهبردهای اداره و کنترل درد شامل تختهٔ شکسته‌بندی، رفتن به اورژانس و گرم کردن فرد است (استروس و کوربین، ۱۳۸۵، صص ۹۸، ۱۰۶). در این بخش مهم است بدانیم حکومت چه

کنش‌هایی را و چگونه از خود بروز می‌دهد که در برانگیختن جامعه‌پذیری سیاسی مردم اثرگذار است و نیز کنش متقابل مردم در برابر کنش‌های حکومت چگونه است و چگونه به صورت سلب یا ایجاب، میزان جامعه‌پذیری سیاسی آنان را متأثر می‌سازد. آنچه از محتوای گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی با لحاظ شرایط علی به دست می‌آید، به اجمال در قالب موارد زیر قابل احصاست:

۳-۲-۴-۱. باور و اعتماد وثیق به خداوند

اگر حاکمان کشور به جای اعتماد به سرمایه‌های مادی و قدرت نظامی، توجه‌شان معطوف به قدرت و اراده الهی شد و باور به آن در وجود جانشان طنین‌انداز گردید، اعضای جامعه دینی نیز با برنامه‌ها و سیاست آنان احساس قرابت و همدلی بیشتری خواهند داشت. امام علی علیه السلام ایمان و اعتماد به خداوند را سرمایه اصلی خویش می‌دانست و عمق باور بدان در سخن و رفتار او متبلور بود: «وَإِنِّي لَعَلِّي يَقِينُ مِنْ رَبِّي، وَغَيْرِ شُبْهَةٍ مِنْ دِينِي؛ همانا من به خدای خود یقین دارم و در دین خود شبهه‌ای ندارم» (نهج البلاغه، خ ۲۲). ابتدای حکومت بر باورمندی وثیق، حتی در نامه‌ها و خطابه‌های آن حضرت نمودار بود و لذا در نامه ۶۹ خطاب به حارث همدانی که از اصحاب خاص امام و از فقها و دانشمندان امت بود، بر بزرگ داشتن نام خداوند و فراوانی یاد مرگ تأکید داشته است: «وَ عَظَّمْ اسْمَ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرَهُ إِلَّا عَلَى حَقٍّ وَ أَكْثِرْ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ نام خدا را بزرگ دار و آن را جز به حق یاد مکن. مرگ و جهان پس از مرگ را بسیار به یاد آر» (نهج البلاغه، ن ۶۹).

۳-۲-۴-۲. اخلاق سیاسی و نظامی

آمیختگی اخلاق و سیاست و رخ‌نمایی سیاست اخلاقی را پیش از همه باید در سیره نبوی و علوی دید؛ چنان‌که درهم آمیختگی سیاست و قدرت بدون توجه به معیارهای اخلاقی را می‌توان در گرایش اموی و به‌طور خاص، زمامداری شخص معاویه به نظاره نشست. حکومت و مدیریت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تجسم سیاست اخلاق‌مدار و مدیریت اخلاق‌محور بود و دوران کوتاه زمامداری و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بر همان مشی و منش پی‌ریزی شد. در این سیره، عرصه سیاست از مفسد قدرت پیراسته است و

حاکمان از هرگونه آلودگی اخلاقی مبرا هستند. او نه می‌پسندید سپاهیان به سپاه معاویه - با همه جنایت و ظلمی که می‌کردند - دشنام دهند: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ؛ من خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید» (نهج‌البلاغه، خ ۲۰۶) و نه می‌پذیرفت آنان آب را از سپاهیان دشمن دریغ دارند.

بدون تردید، رعایت اصول و تعالیم اخلاقی از سوی حاکمان و زمامداران، هم تضمین مصونیت آنان از آسیب‌های ویرانگر قدرت است و هم جامعه را از مفاسد خسارت‌بار قدرت منهای اخلاق محافظت می‌کند. دوره حاکمیت پرفرازونشیب علی ع نمونه‌ی اعلای اقتضای سیاست از اخلاق بود و هیچ‌گاه اخلاق در برابر دلربایی‌های سیاست، خود را نحیف نیافت. پاسداشت کرامت انسانی (نهج‌البلاغه، ق ۳۷)، پذیرش خطا در امور حکومت (نهج‌البلاغه، خ ۲۱۶)، راستگویی و درستکاری (نهج‌البلاغه، خ ۱۵۴)، آغازگر جنگ نبودن، منع از کشتن فراریان و نهی از آزار ناتوانان، مجروحان و زنان (نهج‌البلاغه، ن ۱۴)، تنها نمونه‌هایی از توجه به این اصول و تعالیم است.

۳-۲-۳. آگاهی سیاسی

آگاه کردن جامعه به شرایط زیست مطلوب و چگونگی مطالبه حقوق خویش، از اساسی‌ترین عناصر ارزیابی حکمرانی خوب است. جامعه‌ای که از وظیفه حکومت در قبال تأمین نیازهای اولیه خویش غافل باشند یا ندانند که برای بقا و ارتقای زندگی برآورده شدن نیازهای اولیه و ثانویه خویش باید به اعمال حق «تعیین سرنوشت» خود بها بدهند، نمی‌توان انتظار داشت پایه‌های جامعه‌پذیری سیاسی استواری داشته باشند. کم‌ترین کاری که از حکومت در چنین شرایطی بر می‌آید، آگاهی‌بخشی شهروندان درباره شرایط زیست بهتر در جامعه با توجه به اختیارات و امکانات حکومت است تا با چشم باز در این باره تصمیم بگیرند. امام علی ع ضمن اشاره به ضرورت و اهمیت حکومت، مهم‌ترین وظایف و کارکردهای آن را گوشزد کرده است: «إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ؛ حَتَّى

يُسْتَرِيحُ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخُ مِنْ فَاحِرٍ؛ مردم ناچارند حاکمی داشته باشند، خواه نیکوکار و خواه بدکردار که مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از متاع دنیا برخوردار گردد و خداوند زمان هر یک را به سر آورد و توسط آن حاکم غنایم جمع گردد و با دشمن پیکار شود و راه‌ها ایمنی یابد و حق ضعیف از قوی ستانده شود تا نیکوکار در آسایش به سر برد و از شر مردم بدکردار در امان باشد» (نهج البلاغه، خ ۴۰).

روشن است تمرکز حکومت بر عمل به وظایف و کارکردهای مورد انتظار برای جلب رضایت عمومی، شرایط جامعه‌پذیری سیاسی و تعلق خاطر اعضای جامعه را بهبود می‌بخشد و بی‌توجهی حکومت به تحقق این کارکردها، اسباب دوری‌گزینی آنان و بی‌رغبتی به موضوع جامعه‌پذیری سیاسی را رقم خواهد زد.

۳-۲-۴- خرافه‌زدایی

ماکس وبر حکومت‌ها را به لحاظ شیوه اعمال حاکمیت، به سه دسته سنتی، کاریزمایی و عقلانی دسته‌بندی کرده است و حاکمیت عقلانی و منطقی را وجه تمایز حکومت‌های مدرن از دیگر حکومت‌ها بر شمرده است (وبر، ۱۳۷۴، ص ۷۲). ابتدای حکومت بر پایه علم و دانش و دورساختن جامعه از اوهام و خرافات، از اموری است که به استواری پایه‌های حکومت منجر می‌شود. هنگامی که امام علیه السلام آماده حرکت برای نبرد با خوارج بود، یکی از یاران عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! با اطلاعی که از اوضاع ستارگان دارم، می‌ترسم اگر در این ساعت حرکت کنی، به مراد خویش نرسی. امام علیه السلام بی‌درنگ در پاسخش فرمود: أَتُرْعَمُ أَنَّكَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ سَارَ فِيهَا صُرِفَ عَنْهُ السُّوءُ؟ وَ تُحَوِّفُ مِنَ السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ سَارَ فِيهَا حَاقَ بِهِ الضُّرُّ؟ فَمَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا فَقَدْ كَذَّبَ الْقُرْآنَ وَ اسْتَعْنَى عَنِ الإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ فِي نَيْلِ الْمُحِبُّوبِ وَ دَفَعَ الْمَكْرُوهَ؛ آیا می‌پنداری تو زمانی را نشان می‌دهی که هرکس در آن حرکت کند بدی از او دور می‌شود؟ و از زمانی بر حذر می‌داری که هرکس در آن حرکت کند زیان و آسیب او را فرا می‌گیرد؟ هرکس تو را در این ادعا تصدیق کند قرآن را تکذیب کرده و از یاری خدا در رسیدن به خواسته و دفع ناخواسته‌اش بی‌نیاز گشته است» (نهج البلاغه، خ ۷۹). در این کلام با

استناد به دو منبع عقل و نقل بر رد سخن نابجای گوینده استدلال شده و توجه داده است که سپردن امور حکومت به دست قضا و قدر و اراده‌های ضعیف، اساس تصمیم و تدبیر در مدیریت را مختل می‌سازد. دفاع از جایگاه عقل و تدبیر در اداره حکومت از سوی حاکمان، به افزایش اعتماد جامعه و جلب حمایت آنان از سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمیت مدد می‌رساند.

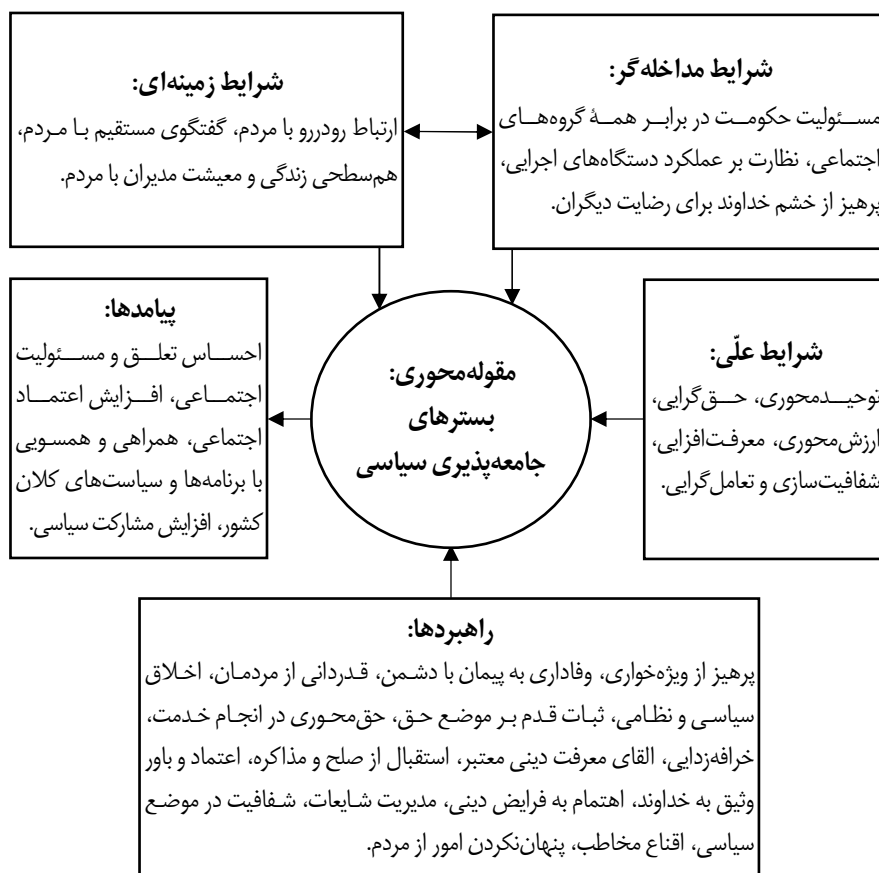
۳-۲-۴-۵. شفافیت در موضع سیاسی

اتخاذ موضع آشکار در حوادث و وقایع پیش روی حکومت، به تعمیق روابط دولت‌ملت و برانگیختن اعتماد عمومی جامعه کمک شایانی می‌کند. امیر مؤمنان علیه السلام به‌طور متناوب در نهج البلاغه به شبهه‌ها، اظهارنظرها یا تردیدهای اصحاب خود درباره ماجرای قتل خلیفه سوم واکنش نشان داده‌اند و موضع خویش را در این زمینه به روشنی بیان داشته‌اند و ضمن تبرئه دامن خویش از این موضوع، حادثه پیش آمده را پیامد ناخواسته رفتارهای ناپسند او در امر حکومت و دوری‌گزینی از سنت پیامبر خدا و کمینه‌های مورد التفات و عمل خلفای پیشین بیان داشته است: «وَ أَنَا جَامِعٌ لَكُمْ أَمْرَةً، اسْتَأْتَرُ فَأَسَاءَ الْأَثَرَةَ وَ جَزَعْتُمْ فَأَسَأْتُمْ الْجَزَعَ وَ لِلَّهِ حُكْمٌ وَاقِعٌ فِي الْمُسْتَأْتَرِ وَ الْجَزَاعِ؛ مَنْ مَاجَرَايَ أَوْ رَا (عثمان) برای تان خلاصه می‌کنم: استبداد و خودکامگی در حکومت را از حد گذرانند و شما نیز بیش از حد بی‌تابی و فغان کردید و خداوند درباره کسی که خودکامگی می‌کند و کسی که بی‌تابی نشان می‌دهد، حکمی دارد که تحقق می‌یابد» (نهج البلاغه، خ ۳۰).

۳-۲-۵. پیامدها

پیامدها نتیجه و حاصل کنش / کنش متقابل است. به‌طور طبیعی، کنش‌ها و واکنش‌هایی که در مقابله یا برای اداره و کنترل پدیده‌ای صورت می‌گیرد، پیامدهایی دارد و ممکن است متوجه افراد، مکان‌ها یا اشیا شود. پیامدها ممکن است حوادث یا اتفاقات مثبت یا منفی و واقعی یا ضمنی باشند و نیز ممکن است در حال یا آینده به

وقوع بیبوندند. در مثال مذکور، می توان گفت یکی از پیامدهای اقدام برای تسکین درد، آرامش است (استروس و کوربین، ۱۳۸۵، صص ۱۰۷-۱۰۸). پیامدهای حاصل از ایجاد بسترهای جامعه پذیری سیاسی از ناحیه حکومت را می توان در شکل نگرفتن شخصیت ضد اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی، احساس هویت و تعلق اجتماعی، بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی، کاهش فاصله میان مردم و مسئولان، همراهی و همسویی با تصمیمات حاکمیت و کاهش مقاومت منفی در برابر آن و ... دانست.



نمودار شماره ۳- الگوی پارادایمی نقش حکومت در شکل گیری بسترهای جامعه پذیری سیاسی

۳-۳. گام سوم: کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی، فرایند ادغام و تولید نظریه است. به طوری که گذشت، در کدگذاری باز، با موضوع طبقه‌بندی داده‌ها سروکار داشتیم و در کدگذاری محوری، طبقه‌بندی‌ها به صورت نظام‌مند گسترش یافتند و طبقات جدیدتر شکل گرفتند، اما هنوز ظرفیت ارائه در قالب یک طرح نظری کلی را پیدا نکرده‌اند. در مرحله کدگذاری انتخابی، طبقه‌بندی‌ها به نظریه تبدیل می‌شوند و برای این منظور، در قالب یک الگوی نظری کلی انسجام می‌یابند. درباره تأثیر رفتار حکومت بر جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان از منظر آموزه‌های نهج البلاغه، دو برداشت قابل ارائه است: جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب و جامعه‌پذیری سیاسی نامطلوب.

۳-۳-۱. جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب

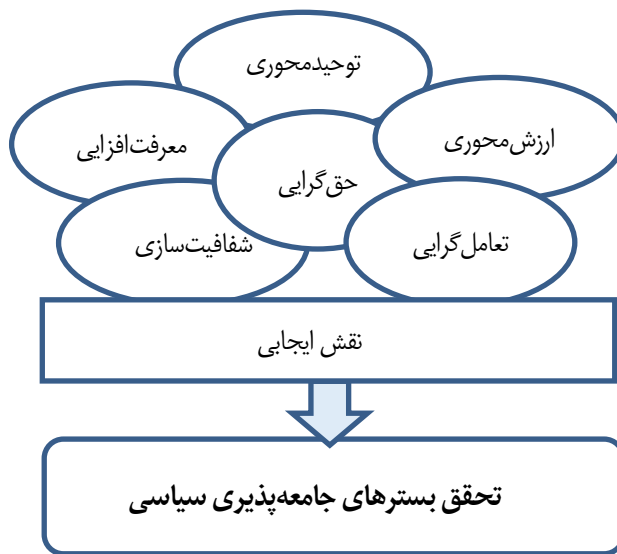
جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب، شکلی از جامعه‌پذیری است که بر محور و مدار مدینه‌النبی و بر پایه معیارها و شاخص‌های متعلق به آن ظهور و بروز می‌یابد؛ نمونه چنین جامعه‌پذیری، دوره پیامبر خداست و پیشرانی جامعه برای تحقق آن، هدف و آرمان امام علیه السلام بوده است.

۳-۳-۲. جامعه‌پذیری سیاسی نامطلوب

جامعه‌پذیری سیاسی نامطلوب، مدلی از جامعه‌پذیری است که بر محور و مدار دوره خلفا و با درونی کردن معیارها و شاخص‌های این دوره سامان می‌یابد؛ نمونه چنین جامعه‌پذیری، حکومت معاویه است. برای امام علیه السلام، آن سبک از جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب تلقی می‌شود که به احیای ارزش‌های دینی منجر شود و جامعه‌سازی اسلامی را معنا و هویت بخشد.

بنابراین نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی در هیافت امام علی علیه السلام، به طور خاص نه در بود و نبود آن، که در مطلوب و نامطلوب بودن آن است. حکومت زمانی که بر محور و معیار حق با مردمان و مخالفان رفتار کند، انگیزه الهی در بینش، گرایش و کنش حاکمان مستولی و به ارزش‌های اخلاقی مفسور انسانی پایبند باشد،

در روابط و تعاملات، مصالح و منافع مردم را اولویت خود قرار دهند، تخصص و شایستگی، معیار انتخاب کارگزاران و واگذاری امور حکومت باشد، قانون هیچ گاه بر مدار میل و اغراض شخصی و قبیله‌ای حاکمان قرار نگیرد و حاکمان به مفهوم خدمت بیشتر راغب باشند تا کسب منزلت و قدرت، در این صورت زمینه‌های تحقق جامعه‌پذیری سیاسی فراهم می‌آید و به دلیل تسهیل مسیر سعادت و خوشبختی برای آحاد جامعه به کمک برنامه‌ریزی و تدابیر بلندمدت و کوتاه‌مدت، همسویی و هم‌آوایی سیاسی جامعه با حکومت ضروری و گریزناپذیر است.

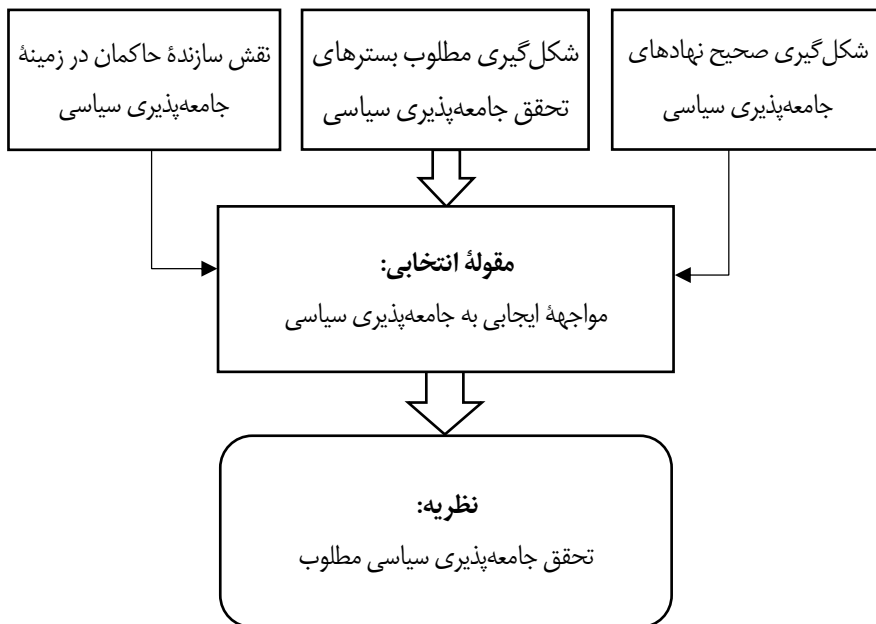


نمودار شماره ۴: الگوی مفهومی نقش‌ایجابی حکومت در ایجاد

بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان

طبق این برداشت، تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب، مشروط به تحقق شرایطی چند در لایه‌های مختلف جامعه است. بخشی از این شرایط به‌طور قطع باید در میان اعضای جامعه محقق شود و آنان با آگاهی از کارکردهای حکومت و وظایف خود در برابر آن، به انجام درست آن مبادرت ورزند. اما بخش بیشینه این شرایط الزاماً باید پیش و پیش از آن، در اجزا و عناصر حکومت تحقق یابد.

ارکان حکومت باید در برابر جامعه و شهروندان احساس تکلیف کنند و به همان میزان که انتظار جامعه‌پذیری سیاسی از آنان دارند، به حقوق و وظایف شهروندی آنان نیز اشراف داشته و بدان احترام بگذارند و برای این منظور، به تحقق بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی به شکل صحیح مبادرت ورزند؛ همچنین نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی را محترم شمارند و در تعامل با جامعه بر معیار حق، عدالت، عقلانیت و اصول دموکراسی و مردم‌سالاری رفتار نمایند و رفتار خویش را با نهادهایی این چنین هماهنگ ساخته و به تعهدات خود در قبال آن‌ها وفادار بمانند. در چنین حالتی می‌توان انتظار داشت سطح قابل قبولی از جامعه‌پذیری سیاسی به شکل مطلوب در لایه‌های مختلف جامعه انعکاس یابد. عکس این واقعه زمانی است که حاکمان به وظایف و تعهدات خود درباره جامعه‌پذیری سیاسی به درستی عمل نکنند و بسترها و نهادهای آن را نیز با رفتارهای غیرسازنده خود از کارایی لازم ساقط نمایند. به طرز غیرقابل انکاری آشکار است تمسک به جامعه‌پذیری سیاسی ذیل چنین حاکمیتی، آثار و پیامدهای نامطلوب و مخربی در پی خواهد داشت.



نمودار شماره ۵: فرایند تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب

نتیجه‌گیری

این نوشتار با موضوع «نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج‌البلاغه»، تلاش کرده است با تکیه بر ظرفیت روش نظریه‌مبنایی، داده‌هایی روش‌مند از گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با هدف استخراج نظریه‌ای نظام‌مند به دست دهد. برای این منظور، نخست با مرور ادبیات مفهومی موضوع، دو مفهوم «حکومت» و «جامعه‌پذیری سیاسی» ایضاح مفهومی گردید. سپس با مراجعه به متن نهج‌البلاغه و تحفظ بر نظریه استروس و کورین، به استخراج، تحلیل و تفسیر داده‌های تحقیق در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مبادرت شد:

۱. بر اساس داده‌های تحقیق، نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی از دو بعد سلبی و ایجابی مورد مذاقه قرار گرفت و ناظر به بعد ایجابی آن، شش مفهوم توحیدمحوری، حق‌گرایی، ارزش‌محوری، معرفت‌افزایی، شفافیت‌سازی و تعامل‌گرایی به‌عنوان بسترهایی که حکومت را در تحقق جامعه‌پذیری سیاسی یاری می‌رساند، معرفی شد.

۲. با صورت‌بندی یافته‌های تحقیق در قالب مدل مفهومی، «مواجهه‌ایجابی به جامعه‌پذیری سیاسی» به‌عنوان مقوله‌ی انتخابی برگزیده شد که در پرتو شکل‌گیری صحیح نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی و نقش سازنده‌ی حاکمان در زمینه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب را تسریع بخشد.

فهرست منابع

- * نهج البلاغه (۱۳۹۵ق). تدوین صبحی صالح. قم: دارالهجرة).
۱. آلموند، گابریل آبراهام؛ پاول جونیز، جی. بینگهام و مونت، رابرت جی. (۱۳۷۷). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی (مترجم: علیرضا طیب، چاپ دوم). تهران: آموزش مدیریت دولتی.
 ۲. استروس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). مبانی پژوهش کیفی (مترجم: ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.
 ۳. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن (چاپ اول). تهران: سخن.
 ۴. چیلکوت، رونالد. (۱۳۹۳). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای (مترجم: وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ پنجم). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
 ۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل (ج ۴). بیروت: دارالکتاب العربی.
 ۶. کللی، قیصر. (۱۳۸۸). فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی (چاپ اول). تهران: پایان.
 ۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
 ۸. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (چاپ اول). تهران: اطلاعات.
 ۹. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. فصلنامه علوم اجتماعی (۴۸)، صص ۷۳-۱۰۷.
 ۱۰. مهرداد، هرمز. (۱۳۷۶). زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: پازنگ.
 ۱۱. وبر، ماکس. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه (مترجم: عباس منوچهری و دیگران، چاپ اول). تهران: مولی.
 ۱۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی (مترجم: محمدابراهیم آیتی، چاپ نهم، ج ۲). تهران: علمی و فرهنگی.

References

- * Nahj al-Balaghah (1395 AH). Sobhi Saleh. Qom: Dar al-Hijra.
1. Almond, G. A., & Junius, J., & Bingham and Monte, R. J. (1377 AP). *A Theoretical Framework for the Study of Comparative Politics*. (Tayeb, A. R. Trans. 2nd ed.). Tehran: Public Management Training. [In Persian]
 2. Anwari, H. (1381 AP). *The Great Dictionary of Sokhan*. (1st ed.). Tehran: Sokhan. [In Persian]
 3. Chilcott, R. (1393 AP). *Comparative Politics Theories*. (Bozorgi V., & Tayeb, A. R. Trans. 5th ed.). Tehran: Rasa Cultural Services. [In Persian]
 4. Giddens, A. (1384 AP). *Sociology*. (Sabouri, M. Trans.). Tehran: Nashr Ney. [In Persian]
 5. Kolali, Q. (1388 AP). *Philosophical Culture and Political Philosophy*. (1st ed.). Tehran: Payan. [In Persian]
 6. Mehrdad, H. (1376 AP). *Fields of Political Sociology: Political Sociability*. Tehran: Pajang. [In Persian]
 7. Mohammadpour, A. (1389 AP). Quality Assessment in Qualitative Research: Principles and Strategies for Validation and Generalizability. *Journal of Social Sciences* (48), pp. 73-107. [In Persian]
 8. Mohseni Tabrizi, A. R. (1395 AP). *Qualitative research method in interpretive schools*. (1st ed.). Tehran: Information. [In Persian]
 9. Strauss, A., & Corbin, J. (1385 AP). *Fundamentals of Qualitative Research*. (Afshar, E, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
 10. Weber, M. (1374 AP). *Economy and Society*. (Manouchehri, A. et al., Trans. 1st ed.) Tehran: Mowla. [In Persian]
 11. Yaqubi, A. (1382 AP). *Yaqubi History*. (Ayati, M. E. Trans. 9th ed., vol. 2). Tehran: Scientific and cultural. [In Persian]
 12. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf an Haqa'iq Qawamiz al-Tanzil va Oyoun al-Aqawil fi Vojouh al-Ta'avil*. (vol. 4). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]